

ترکیب و جایگاه مجلس هفتم

ترکیب مجلس

با ترتیبات و تمهیداتی که جناح غالب رژیم، به کارگردانی شورای نگهبان، در مورد انتخابات مجلس هفتم چیده بود، ترکیب این مجلس، حتی پیش از اخذ و شمارش آرای رأی‌دهندگان، تا حدود زیادی مشخص شده بود. گزارش مبسوط آیت‌الله جنتی، دبیر شورای نگهبان، راجع به «موفقیت‌های» این شورا در هدایت و کنترل جریان انتخابات، به اجلاس مجلس خبرگان در اسفند گذشته (که تنها بخشهایی از آن در رسانه‌ها انتشار یافت) اعترافی آشکار به دخالت مستقیم و مهرچینی در تعیین نمایندگان مجلس هفتم بود. در واقع، شورای نگهبان تحت نظر و تأیید مقام رهبری، چه از طریق رسیدگی و تشخیص «صلاحیت» نامزدها و چه از راه ابطال و یا تأیید گزینشی صندوقها و حوزه‌های انتخاباتی، ترکیب کلی مجلس آتی را از لحاظ حذف و کنار گذاشتن داوطلبان وابسته به جناح رقیب و گماردن عناصر مربوط به جناح خودی، اساساً تعیین کرده بود. اکنون، با پایان یافتن نمایش انتخاباتی و تشکیل مجلس جدید، ترکیب مشخص این مجلس را از نظر توازن قوای دستجات گوناگون درون حکومتی می‌توان مشاهده کرد.

بیش از ۲۰۰ نفر از نمایندگان مجلس هفتم وابسته به جناح غالب رژیم، جناح خامنه‌ای، هستند و فقط ۴۰ تا ۵۰ نفر از آنان مربوط به جریانات مختلف «جبهه دوم خرداد» محسوب می‌شوند. از این نظر، در قیاس با مجلس ششم، یک جابه‌جایی کامل در بین دو جناح عمده حکومتی صورت گرفته است. علاوه بر ۵ نماینده متعلق به اقلیتهای مذهبی، باقی‌مانده کرسیهای این مجلس را هم نمایندگان به اصطلاح مستقل پر می‌کنند. باید یادآور شد که اکثر این دسته از نمایندگان که ظاهراً «مستقل» از دو جناح اصلی معرفی می‌شوند، در غالب موارد با اکثریت موجود مجلس همراه شده و دنباله‌روی از آن می‌کنند. جناح خامنه‌ای با تصاحب بیش از دو سوم صندلیهای مجلس جدید، سلطه خود را بر ارگانهای حکومتی گسترش می‌دهد. گذشته از شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت

با برگزاری مراسم افتتاح جنجال برانگیز مجلس هفتم، در ۷ خرداد، کار رسمی هفتمین دوره مجلس قانونگذاری جمهوری اسلامی آغاز شد. در این مراسم که وزیر کشور دولت خاتمی، ضمن ارائه گزارش چگونگی برگزاری انتخابات، جرأت کرده بوده اشاره‌ای کوتاه به رد گسترده صلاحیت داوطلبان نمایندگی توسط شورای نگهبان نماید، با پرخاش شدید گروهی از راه‌یافتگان به مجلس روبرو گردید. چنان‌که برخی از آنها نیز خواستار قطع سخنرانی وزیر شدند. آغازگر مراسم افتتاحیه نیز، طبق معمول، پیام رهبر به مجلسیان بود که، ضمن بر شمردن خطرات، «توطئه استکبار جهانی»، آنان را به اطاعت و وفاداری به اسلام و نظام فرا می‌خواند. این مراسم، در عین حال، نحوه برخورد مجلس جدید با دولت خاتمی، در یک سال باقی‌مانده از عمر آن، را نیز به نمایش گذاشت.

تکلیف اکثریت وسیع کرسیهای این مجلس، یعنی حدود ۲۳۰ کرسی از مجموع ۲۹۰، در همان مرحله اول انتخابات، در اول اسفند، تعیین شده بود. دومین مرحله این انتخابات، جهت تعیین تکلیف ۵۷ کرسی، نیز در ۱۸ اردیبهشت برگزار گردید. در این مرحله هم، رویگردانی مردم از حوزه‌های اخذ رأی، کاملاً نمایان و بسیار وسیعتر از رأی‌گیری اول اسفند بود. به طوری که مثلاً در شیراز نسبت آرای شمارش شده به کل دارندگان حق رأی از ۸ درصد تجاوز نمی‌کرد و این نسبت در حوزه انتخاباتی رشت فقط ۹ درصد بود. هرچند که در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی، انتخابات هیچگاه آزاد و دمکراتیک نبوده است، چگونگی برگزاری انتخابات هفتمین دوره مجلس، ماهیت اساساً ضد دمکراتیک رژیم حاکم، و رویگردانی گسترده مردم از مشارکت در این نمایش انتخاباتی نیز، فقدان مشروعیت آن را کاملاً برملاء ساخت. مجلسی که بدین ترتیب شکل گرفته است. حتی در مقایسه با مجالس قبلی رژیم نیز، از کمترین اعتبار برخوردار است.

نظام، دستگاه قضائی، صدا و سیمای رژیم و ارگانهای نظامی و انتظامی و امنیتی آن، اکنون، با وقفه‌ای چهارساله، مجلس رژیم هم در کنترل کامل این جناح قرار می‌گیرد. جریانات سیاسی حکومتی مانند «جبهه مشارکت ایران اسلامی»، «حزب کارگزاران سازندگی» و «مجاهدین انقلاب اسلامی»، صرفاً در حاشیه این مجلس واقع شده و یا به بیرون از آن پرتاب می‌شوند. بدین ترتیب، در پی کشمکشهای طولانی و منازعات شدید درونی، گامی دیگر در جهت یکدستی نسبتاً بیشتر رژیم برداشته می‌شود. اما این یکدستی نسبی بیشتر، لزوماً، به معنی افزایش اقتدار حکومت در مقابله با انواع بحرانهای گریبانگیر آن نیست. حال همگان می‌دانند که این «پیروزی» جناح غالب در تصاحب مجلس هفتم به بهای عیان شدن هرچه افزونتر فقدان مشروعیت رژیم طی یک نمایش انتخاباتی فراهم آمده است. به علاوه، دستگاه اجرائی رژیم، هرچند با اختیاراتی محدود، هنوز در دست جناح رقیب است. ولی، گذشته از اینها، تبعات تقسیم و تصاحب قدرت بعد از انقلاب در بین دستجات مختلف و نظام ملوک‌الطوایفی برخاسته از آن هنوز هم عمل می‌کند و همچنین چگونگی رویارویی با معضلات و بحرانهای حکومتی، همواره تناقضهای تازه‌ای را در میان جریانات حاکم پدید می‌آورد.

اکثریت مجلس

اکثریتی که اکنون بر مجلس رژیم حاکم شده است، در بیعت و اطاعت از رهبر رژیم متفق‌القول و در مخالفت با جناح اصلاح طلبان حکومتی، همراه و همداستان است. اگرچه «اطاعت از رهبری»، به عنوان خصیصه اصلی این مجلس می‌تواند در هدایت و کنترل آن بسیار مؤثر باشد، لکن از این واقعیت نمی‌توان همگونی این اکثریت و یا هم‌رأیی همه عناصر متشکله آن را درباره مسایل گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نتیجه گرفت. ترکیب درونی این اکثریت به چگونگی سازماندهی و تشکیل آن طی دو سال گذشته بر می‌گردد. بقیه در صفحه ۲

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران